نیم‌نگاه

۱۰ مهره اصلی کودتا

کودتای ۲۸مرداد یکی از حوادث سرنوشت‌ساز در تاریخ معاصر ایران است که آن را باید یکی از نقاط چرخش قدرت از یک حکومت با آرمان‌های ملی‌گرایانه به یک دولت دست‌نشانده استعماری و نمونه‌ای از تلاش استعمار خارجی به کمک استبداد داخلی دانست که توانست به هدف‌های شوم خود دست یابد و سیب خارش‌های جبران‌ناپذیری به سرزمین ایران شود. در روز ۲۸مرداد۱۳۳۲ در پی موفقیت کودتا و سقوط کابینه دوم دولت ملی دکترمصدق، سرلشکر فضل‌الله زاهدی، عهده‌دار تشکیل کابینه جدید شد. کودتای ۲۸مرداد در دوازدهمین سال حکومت پهلوی دوم، سبب تثبیت حاکمیت او تا رپوگون دیگر شد.

در اولین انتخابات پس از رضاشاه (دوره چهاردهم مجلس شورای ملی)، مصدق بیشترین رأی را در تهران کسب کرد و با تلاش او طرحی در مجلس تصویب شد که به دولت اجازه می‌داد در حین انتقال از مورد نفت با خارجی‌ها مذاکره کند. یکی از نقاط مهم حیات سیاسی مصدق انتخابات دوره شانزدهم مجلس شورای ملی بود که اعتراض به وقوع تقلب‌های گسترده در آن، برخی ملی‌گرایان و مخالفان دربار را پیش‌اپیش به‌هم نزدیک کرد. جبهه ملی نیز به کمک معترضانی چون محمد مصدق، حسین مکی و مظفر بقائی تأسیس شد که پروشان به مجلس شانزدهم (در دور دوم انتخابات) راه را برای تصویب طرح ملی‌شدن صنعت نفت هموار می‌کرد و سرانجام به رهبری مصدق، ملی‌شدن نفت ایران از طرح به قانون بدل شد. بریتانیا و شرکت نفت نتوانستند از مجرای قانونی بسلی از شاهدان کودتای ۲۸مرداد و ۱۹۵۳ و اتفاقات پس از آن است. پس از گذشت ۱۰۰سال پس از آن واقعه با محمد تسوملی درباره روزها و سال‌های پس از کودتا به گفت‌وگو نشسته‌اند:

■ با توجه به اینکه شما در سال ۱۳۳۵ واردِ دانشکده حقوق دانشگاه تهران شدید و از اعضای فعال انجمن اسلامی دانشجویان بود. وی از سال ۱۳۴۰ و تا بهمن ماه بهار ۱۳۳۳ زندانی و از اعضای فعال و شاخص در سال ۱۳۴۱ برای تحصیل در رشته حقوق‌دولتی و ترافیک به آلمان رفت. سپس برای ادامه تحصیل در رشته راه و ترافیک به آمریکا رفت. وی بعد از انقلاب اسلامی به عضوِ اولین‌شهرداری تهران رایِ نهشت شد. مهندس تسوملی یکی از شاهدان کودتای ۲۸مرداد و اتفاقات پس از آن است. پس از گذشت ۷۰سال پس از آن واقعه با محمد تسوملی درباره روزها و سال‌های پس از کودتا به گفت‌وگو نشسته‌اند:

■ با توجه به اینکه شما در سال ۱۳۳۵ واردِ دانشکده حقوق دانشگاه تهران شدید و از اعضای فعال انجمن اسلامی دانشجویان بود. وی از سال ۱۳۴۰ و تا بهمن ماه بهار ۱۳۳۳ زندانی و از اعضای فعال و شاخص در سال ۱۳۴۱ برای تحصیل در رشته حقوق‌دولتی و ترافیک به آلمان رفت. سپس برای ادامه تحصیل در رشته راه و ترافیک به آمریکا رفت. وی بعد از انقلاب اسلامی به عضوِ اولین‌شهرداری تهران رایِ نهشت شد. مهندس تسوملی یکی از شاهدان کودتای ۲۸مرداد و اتفاقات پس از آن است. پس از گذشت ۷۰سال پس از آن واقعه با محمد تسوملی درباره روزها و سال‌های پس از کودتا به گفت‌وگو نشسته‌اند:

بحث بر سر دخالت یا عدم دخالت آمریکا در کودتای ۲۸مرداد۱۳۳۲ یا جدل بر سر اینکه آیا آن ماجرا، به‌واقع کودتا بود و می‌شود که قدرتی بالادستی علیه زیرمجموعه خودش کودتا کند یا نامی‌شود، دیگر آنچنان انتفاعی ندارد. تحلیل واقعه، از همان زمان در اذهان عمومی بیانگر واقعیت بود و هرچه تاریخ به جلو می‌رود، اسناد روشنه‌اند. ادعاهای برای درستی آن تحلیل هاست. کودتا در همه‌جا همان معنایی را دارد که تا نامش می‌آید بر هر ذهنی مترتب می‌شود: تغییر قدرت به وسیله ابزار خشونت. حال ممکن است قدرتی که سقوط می‌کند مشروع و برآیند خواست ملت بوده و یا کودتا علیهِ بماند یا در نطفه خفه شود. یا خود محصول رونده‌ی نامشروع بوده باشد و یا روش نامشروع دیگری ساقط شود. نقطه مشترک همه کودتاها ولی خشونت است. خشونت هنگام کودتا و خشونت بعد از آن که به شکل اعدام، زندان، تبعید، گریز و... نمایان می‌شود. ۲۸مرداد نیز از این قاعده مستثنا نبود. پس عدای مانند مرحوم‌دکترفاطمی اعدام و کشته شدند، عدای به زندان افتادند، عدای مجبور به خروج از کشور شدند و مرحوم‌دکترمصدق که تا پیش از کودتا، دارای قدرتی مشروع بود و رهبر جنبشی مردمی و محترم در بین تمام سیاست‌مردان کشور در نهایت به حصر رفت و در حصر مرد. برای درک بهتر فضای بعد از کودتا آیا گفت‌وگویی داشتم با دکتر داوود هرمیداس‌باوند، از سرشناس‌ترین تحلیلگران مسایل بین‌الملل و از اعضای جبهه ملی؛ کسی که در هنگام کودتا از حامیان مصدق بوده و فضای بعد از کودتا را به یاد دارد:

■ کودتا علیه دولت مصدق به وقوع پیوست. مرحوم‌دکترمصدق از قدرت برکنار شد و سپس در دادگاه به سه‌سال حبس انفرادی محکوم شد و پس از آن نیز به احمدآباد مستوفی تبعید شد. با توجه به اینکه کودتا، مصدق را کنار زده بود و از سویی پایگاه مردمی مرحوم‌مصدق هم هنوز گسترده بود لزوم تشکیل دادگاه برای ایشان چه بود؟

اصولا کودتا امری غیرقانونی است و حکومت‌هایی که از طریق کودتا برکنار می‌شوند، ادعا می‌کنند هنوز بر حق هستند و به‌عنوان نخست‌وزیر و رییس‌جمهور هنوز قدرت دارند. به‌هرحال وقتی کودتا می‌شود کسانی که از طریق کودتا برکنار می‌شوند، این ادعا را دارند ولی جریانات کار خود را می‌کنند و فضای کودتا مشمول مرور زمان می‌شود و ادعای فرد برکنارشده به فراموشی سپرده می‌شود. بنابراین استدلال حکومت در آن زمان ناشی‌بود که بود از طریق سرهنگ‌نصیری به دست مرحوم‌دکترمصدق رسیده بود که طبق آن نامه شاه، ایشان را یکی از راهی دیگر می‌دانستند. تمامی رسانه‌ها این التهاب دانشگاه را منتقل می‌کنند و اسناد منتشرشده نیز همین را نشان می‌دهد. در همان بدو جبهه دکترقانی در دانشگاه نشریه‌ای داشت که در خیابان به علوی رییس دبیرستان شیورخوشید اینکه در آن زمان با دربار رابطه نزدیکی داشته و گویا شاه در همان زمان، وی را به آمریکا فرستاد و به آمریکا می‌خواهد و از اوضاع دانشگاه می‌پرسد و یاسخ خطیبی نیز تاکید بر التهاب دانشگاه در همان زمان است. شاه به دکترقانی پیامی می‌دهد این التهاب را در دانشگاه نشدید کند این بسیار نکته کلیدی است که شاه در همان زمان می‌خواهد این التهاب نشدید شود. اینجه باید مورد توجه قرار گیرد. این است که جزاشاه باید از دکترقانی بخواهد سرمقاله‌هایش را ندارد کند و نشنج را در دانشگاه افزایش دهد؟» این مورد مهم مغفول مانده به ۱۶ آبان که جنبش دانشجویی است که من به این بیشتر خواهم پرداخت.

■ با این توضیح شما، باید بپذیریم شاه قصد داشته پس از کودتا همچنان پروژه سرکار را ادامه دهد و نمونه آن اتفاقات ۱۶ آذر است

بله، قطعا همین‌طور است. شاه می‌خواست این سرکوب را انجام دهد. کمانیکه روز ۱۷ آذر در زیر فشار شدید پلیس و نیروهای ارتش و کماندوها، نیکسون به دانشگاه تهران می‌آید و دکترای افتخاری خود را نیز دریافت می‌کند. بررسی حوادث بوهه کاملی در تاریخ ۱۶آذر۱۳۳۳ نشان می‌دهد تمامی رفتارها برای رابطه‌گیرنده‌کردن و سرکوب نقطهٔ دانشگاه که در جامعه نیز افتاق افتاده است.

■ جامعه و دانشگاهی در التهاب واکنش سریع به کودتا بود و اصلا فضا، فضای نیروداری محسوب می‌شد. اما چرا شاه می‌خواست بعد از کودتایی که انجام گرفته بود، همچنان فضا را ملتهب نگه دارد؟

طبیعی است. به‌هرحال انجام دانشگاه پیامد کودتا بود و کل جامعه اصلا در یک فضای متشنج قرار داشت. نهضت‌ملی ایران هم در همان زمان از نظر فرهنگی و اجتماعی در جامعه فعال و زمینه‌های اجتماعی فراهم شده بود و با وجود خیلتی که بفرهم بنده در همان زمان حزب‌توده فعال شد و باعث شد نهادهای مختلف دچار نوعی آشفتگی شوند اما همچنان جامعه بعد از کودتا واکنش شدیدی نسبت به کودتا از خود نشان می‌داد و طبیعتا بعد از ۲۸مرداد فضای دانشگاه ملتهب بود اما حداقل گزارش‌ها نشان می‌دهد دانشجوها با هوشیاری خود را کنترل می‌کردند واکنشی نشان ندهند که بدفتح طرف مقابل باشد و این کماندوها بودند که با برنامه‌ریزی با ملاحظه دامنه گرفتند. بعد از ۱۶ آذر سال ۱۳۳۳ تا سال ۱۳۳۹ فضای دانشگاه کاملا ملتهب و سرکوب شده و فضای بسیار بی‌دانشگاه و روزها دارد اما دانشجویان دانشکده فنی هرسال در همان محل شهادت دانشجویان تیراندازی جمع می‌شدند و دسته‌گلی به یادگار قرار می‌دادند. دانشجویان با همفشارها در همان محل جمع می‌شدند و سکوت می‌کردند و کلاس می‌رفتند و نیروهای امنیتی همان اشخاصی که اعلام سکوت می‌کردند را نیز بازداشت می‌کردند و دانشجویان با علم به اینکه بازداشت می‌شوند بازهم رکن‌های اساسی اعتراض در آن زمان است حولات را که در روزهای منتهی به ۱۶ آذر دنبال می‌کنیم، تمامی رسانه‌ها این التهاب دانشگاه را منتقل می‌کنند و اسناد منتشرشده نیز همین را نشان می‌دهد. در همان بدو جبهه دکترقانی در دانشگاه نشریه‌ای داشت که رییس دبیرستان به علوی رییس دبیرستان شیورخوشید اینکه در آن زمان با دربار رابطه نزدیکی داشته و گویا شاه در همان زمان، وی را به آمریکا فرستاد و به آمریکا می‌خواهد و از اوضاع دانشگاه می‌پرسد و یاسخ خطیبی نیز تاکید بر التهاب دانشگاه در همان زمان است. شاه به دکترقانی پیامی می‌دهد این التهاب را در دانشگاه نشدید کند این بسیار نکته کلیدی است که شاه در همان زمان می‌خواهد این التهاب نشدید شود. اینجه باید مورد توجه قرار گیرد. این است که جزاشاه باید از دکترقانی بخواهد سرمقاله‌هایش را ندارد کند و نشنج را در دانشگاه افزایش دهد؟» این مورد مهم مغفول مانده به ۱۶آذر که جنبش دانشجویی است که من به این بیشتر خواهم پرداخت.

■ با این توضیح شما، باید بپذیریم شاه قصد داشته پس از کودتا همچنان پروژه سرکار را ادامه دهد و نمونه آن اتفاقات ۱۶ آذر است

بله، قطعا همین‌طور است. شاه می‌خواست این سرکوب را انجام دهد.

داوود هرمیداس‌باوند در گفت‌وگو با «شرق»:

ملی‌شدن نفت امتداد جنبش مشروطه بود

حامد سیاسی‌راد

عکس: عباس کوثری، شرق

■ واکنش جبهه ملی به زندان و حصر مرحوم‌دکترمصدق چه بود؟ آیا تلاشی برای آزادی ایشان صورت گرفت؟

وقتی فضای کودتایی ایجاد شود جریان اسکان آزادی، فعالیت‌ها، خواسته‌ها و درخواست‌ها مطرح نیست. درواقع اینگونه درخواست‌ها اصلا امکان طرح ندارد چون با بگیروبند و زندان و اعدام و سرکوب شروع می‌شود و آن زمان هم افرادی مانند دکترفاطمی به این سرنوشت دچار شدند، ولی در انتخاباتی که متعاقبا انجام گرفت. کاندیدایی از سوی جبهه ملی مطرح شد ولی روشن بود که فضا برای انتخاب‌شدن وجود نداشت. تا حدودی فضا برای معرفی‌کردن کاندیداهایی برای انتخابات مجلس در آن زمان وجود داشت که به‌تدریج محدودتر و محدودتر شد. با اعلامیه‌هایی بود که از سوی جبهه ملی با نیروی‌سوم منتشر شد. ولی به طور کلی در همه نظام‌های کودتایی فضاهای سیاسی و اجتماعی برای مدتی به صورت حکومت نظامی است و اجازه داده نمی‌شود تا نظام‌اری شکل گیرد. یا اگر هم صورت گیرد، شدیدا سرکوب می‌شود. این نکته را هم ذکر کنم که من در سال ۱۹۵۵ یعنی دوسال بعد از کودتا به خارج رفتم و زیاد ایران نبودم و شرایط آن زمان و شرایط تشکیل جبهه ملی‌دوم را از نزدیک ندیدم.

■ شما به انتخابات مجلس پس از کودتا اشاره کردید. در دوده‌ور اول انتخابات مجلس پس از کودتا جبهه ملی مشی تحریم انتخابات را پیش می‌گیرد و در انتخابات شرکت نمی‌کند ولی در دوره‌سوم تغییر مشی داده و کاندیدا معرفی می‌کند که حتی می‌بینیم آقای صالح به‌عنوان نماینده جبهه ملی وارد مجلس می‌شود. این تغییر رویکرد از چه روی بود؟

آن زمان با دوره کندی مصادف شد. من آن زمان خودم آمریکا بودم. در دوره کندی تحمیل کردند که فضای باز ایجاد شود و آغازش هم اینگونه بود که والتر لیپمن که هم محقق بود هم روزنامه‌نگار و هم فیلسوف، ملاقات و مصاحباتی در مسکو با خروشچوف داشت که در آن گفت‌وگو خروشچوف می‌گوید ما در رابطه با ایران نیاز به اقدامی نداریم چون حکومت ایران مانند میوه کندیدهای است که به‌زودی سقوط می‌کند و سیس مساله ایران در مطبوعات جمعی مطرح شد و کندی هم در مبارزات انتخاباتی‌اش قول داد اگر به قدرت برسد، کاری می‌کند تا دموکراسی در کشورهایی مانند ایران برقرار شود و بنابراین امینی را برای انجام این مقصود در ایران تحمیل کردند. البته ملاقات‌هایی هم با جبهه ملی صورت گرفت و فضایی برای جبهه ملی ایجاد شد که نظاهرات گسترده‌ای هم در آن تابستو برگزار کرد و نظرباتی هم بیان شد. اما یکی از سخنرانان دومطلب را مطرح کرد که با مقتضیات روز سازگاری نداشت: یکی مساله ملی‌کردن صنعت نفت، یعنی کنسرسیوم که قانونی بود و دوم خروج از پیمان سنتو که برای آمریکایی‌ها در آن تاریخ هیچ‌کدام از این‌دو نظر مطابق سیاست‌شان در جنگ‌سرد نبود. در آن تاریخ آقای صالح از کاشان به مجلس وارد شد. امینی هم سعی کرد ملاقات‌هایی را با جبهه ملی انجام دهد تا نوعی همکاری شکل گیرد که نظرات جبهه ملی آنچنان بود که برای آقای امینی قابل پذیرش نبود.

■ از دهه ۵۰ جبهه ملی و نهضت آزادی و جریانات نزدیک به مرحوم‌مصدق را از اپوزیسیون‌های مطرح رژیم می‌بینیم که حتی عده‌ای از اعضایشان در برهه‌ای دست به اسلحه نیز می‌شوند. آیا می‌توان کودتای ۲۸مرداد را شروع مسیر پیوستن جبهه ملی به جبهه اپوزیسیون دانست یا اتفاقات دیگری به مرور زمان این جریان را به آن‌سوی و سمت راند؟

جبهه ملی از آغاز سعی کرد تا در قالب قانونی رفتار کند و سعی می‌کرد تمام اعمال و رفتارش هم منطبق بر قانون باشد حتی جبهه ملی سعی می‌کرد سیاست خارجی و بحث ملی‌کردن صنعت نفت نیز در قالب حقوق بین‌الملل و منشور سازمان‌ملل و عرف روز باشد و در مسایل داخلی هم همینه سعی می‌کرد تا کوییتین منطبق بر مواریون قانونی عمل کند. بنابراین جبهه ملی یک جنبش قانونی نبود. همه جنبش‌های انقلابی و شبه انقلابی همینه سعی می‌کنند تا یک سیاقه دقاعی داشته باشند. ما این را در انقلاب اکتبر روسیه می‌بینیم که تروتسکی رزیم سرخ ایجاد کرد و در چین یا کوبا یا هر جای دیگر هم میلیتانت شکل گرفت. اما با وجود تمام خطرات، دکتر مصدق حاضر نشد تا به حرف افسران حاضر در ارتش که به او پیشنهاد می‌کردند که بیا یک نیروی خیلی تشکیل بده و همینه برحذر بود و سعی می‌کرد در چارچوب قانونی حرکت کند تا جایی که امکان دارد؛ بنابراین موضع‌گیری‌ها هم همینه در راستای استفاده از فرصت‌هاو که آن هم دو حالت داشت: یکی این‌که با داخل ارتش بود و دیگری هم این‌که کودتا توسط نیروهای خارجی انجام گرفته بود. دول جنگ سرد هم بود و ایران هم طرف ساختارهای کودتایی قرار می‌گرفت. در سال ۱۹۵۵ ایران وارد پیمان بغداد و سیتو سنتو شد و بعد هم قراردادهای کنسرسیوم در آن چارچوب‌ها قرار گرفته بود. در نتیجه موضع‌گیری‌ها این بیام را هم به آمریکایی‌ها می‌داد که رهایی که شما انتخاب کردهاید و کودتا و پیلماهیتش نتانها به نفع مردم ایران نیست که به نفع خودتان هم نیست. بنابراین همیشه یک پیام دوگانه داشت. گذشته از اینکه انتقادات را به حکومت وقت داشت و به دنبال آلترناتیو هم نبود در عین حال پیام جبهه بورژوی‌مرز هم داشت زیرا معتقد بودند فعل و انفعالاتی که در هنگام جنگ سرد به وقوع می‌پیوندد، نمی‌تواند مورد رویه‌های بود که خود قدرت‌های غربی پیش گرفته بودند و جبهه ملی با رویکرد تسلیم نشدن با تمام قوا در برابر قدرت‌های غربی پیش گرفته بود. در نتیجه موضع‌گیری‌ها این پیام را هم به آمریکایی‌ها می‌داد که راهی که شما انتخاب کردهاید و کودتا و پیلماهیتش نتانها به نفع مردم ایران نیست که به نفع خودتان هم نیست. بنابراین همیشه یک پیام دوگانه داشت. گذشته از اینکه انتقادات را به حکومت وقت داشت و به دنبال آلترناتیو هم نبود در عین حال پیام جبهه بورژوی‌مرز هم داشت زیرا معتقد بودند فعل و انفعالاتی که در هنگام جنگ سرد به وقوع می‌پیوندد، نمی‌تواند مورد رویه‌های بود که خود قدرت‌های غربی پیش گرفته بودند و بعد هم قراردادهای کمانیکه روز ۱۷ آذر در زیر فشار شدید پلیس و نیروهای ارتش و کماندوها، نیکسون به دانشگاه تهران می‌آید و دکترای افتخاری خود را نیز دریافت می‌کند. بررسی حوادث بوهه کاملی در تاریخ ۱۶آذر۱۳۳۳ نشان می‌دهد تمامی رفتارها برای رابطه‌گیرنده‌کردن و سرکوب نقطهٔ دانشگاه که در جامعه نیز افتاق افتاده است.

■ جامعه و دانشگاهی در التهاب واکنش سریع به کودتا بود و اصلا فضا، فضای نیروداری محسوب می‌شد. اما چرا شاه می‌خواست بعد از کودتایی که انجام گرفته بود، همچنان فضا را ملتهب نگه دارد؟

طبیعی است. به‌هرحال انجام دانشگاه پیامد کودتا بود و کل جامعه اصلا در یک فضای متشنج قرار داشت. نهضت‌ملی ایران هم در همان زمان از نظر فرهنگی و اجتماعی در جامعه فعال و زمینه‌های اجتماعی فراهم شده بود و با وجود خیلتی که بفرهم بنده در همان زمان حزب‌توده فعال شد و باعث شد نهادهای مختلف دچار نوعی آشفتگی شوند اما همچنان جامعه بعد از کودتا واکنش شدیدی نسبت به کودتا از خود نشان می‌داد و طبیعتا بعد از ۲۸مرداد فضای دانشگاه ملتهب بود اما حداقل گزارش‌ها نشان می‌دهد دانشجوها با هوشیاری خود را کنترل می‌کردند واکنشی نشان ندهند که بدفتح طرف مقابل باشد و این کماندوها بودند که با برنامه‌ریزی با ملاحظه دامنه گرفتند. بعد از ۱۶ آذر سال ۱۳۳۳ تا سال ۱۳۳۹ فضای دانشگاه کاملا ملتهب و سرکوب شده و فضای بسیار بی‌دانشگاه و روزها دارد اما دانشجویان دانشکده فنی هرسال در همان محل شهادت دانشجویان تیراندازی جمع می‌شدند و دسته‌گلی به یادگار قرار می‌دادند. دانشجویان با همفشارها در همان محل جمع می‌شدند و سکوت می‌کردند و کلاس می‌رفتند و نیروهای امنیتی همان اشخاصی که اعلام سکوت می‌کردند را نیز بازداشت می‌کردند و دانشجویان با علم به اینکه بازداشت می‌شوند بازهم رکن‌های اساسی اعتراض در آن زمان است حولات را که در روزهای منتهی به ۱۶ آذر دنبال می‌کنیم، تمامی رسانه‌ها این التهاب دانشگاه را منتقل می‌کنند و اسناد منتشرشده نیز همین را نشان می‌دهد. در همان بدو جبهه دکترقانی در دانشگاه نشریه‌ای داشت که رییس دبیرستان به علوی رییس دبیرستان شیورخوشید اینکه در آن زمان با دربار رابطه نزدیکی داشته و گویا شاه در همان زمان، وی را به آمریکا فرستاد و به آمریکا می‌خواهد و از اوضاع دانشگاه می‌پرسد و یاسخ خطیبی نیز تاکید بر التهاب دانشگاه در همان زمان است. شاه به دکترقانی پیامی می‌دهد این التهاب را در دانشگاه نشدید کند این بسیار نکته کلیدی است که شاه در همان زمان می‌خواهد این التهاب نشدید شود. اینجه باید مورد توجه قرار گیرد. این است که جزاشاه باید از دکترقانی بخواهد سرمقاله‌هایش را ندارد کند و نشنج را در دانشگاه افزایش دهد؟» این مورد مهم مغفول مانده به ۱۶آذر که جنبش دانشجویی است که من به این بیشتر خواهم پرداخت.

■ با این توضیح شما، باید بپذیریم شاه قصد داشته پس از کودتا همچنان پروژه سرکار را ادامه دهد و نمونه آن اتفاقات ۱۶ آذر است

بله، قطعا همین‌طور است. شاه می‌خواست این سرکوب را انجام دهد.

■ فضای بازِ سیاسی در سال ۱۳۳۹ و پس از کودتا به وجود آمد. آیا منجر به تشکیل جبهه ملی‌دوم شد؟ نقش مصدق را در تشکیل جبهه ملی در سال ۱۳۳۹ چطور می‌بینید؟ اینکه ایشان نخست‌وزیری بود که هفتسال قبل در دوره‌ی کودتا انتقاد اعدام بود و در همان زمان هم به به‌هرحال در زندان بود. اما به‌نوعی گویا می‌خواست فعالان را دوباره به عرصه‌ها برگرداند.

همان کادرهای نهضت مقاومت ملی که بعد از سال ۳۶ در شرایط سرکوب، مقاومت را داده‌اند. افرادی چون حجر عاصی، عباس رادنیا، عباس سمیعی و... که تحولات داخلی و بین‌المللی را دنبال می‌کردند و در چنان تغییر سیاست آمریکا در برابر رزیم پهلوی که قرار گرفتند، ضمن تبادل نظر با سران نهضت مقاومت مهندس‌بازرگان و دکترسحابی و همچنین برخی از اعضای جبهه ملی و مطرح و پیگیری کردند و در نهایت در تیرماه سال ۳۹ با حضور ۱۲نفر از شخصیت‌های سیاسی به دعوت دکترعلامه‌حسین دهقانی، جبهه ملی‌دوم تشکیل شد. اعضای دعوت‌شده عمدتا از اعضای اخراج قدیمی جبهه ملی بودند و از کادرهای نهضت مقاومت که خود از پیگیری کنندگان تشکیل جبهه ملی‌دوم بودند و تحلیل سیاسی به‌روزتری داشتند. دعوت نکردند و در مرحله بعد که نهضت آزادی ایران با مشارکت این کادرها تاسیس شد، با پذیرش عضویت نهضت آزادی نیز در جبهه ملی‌دوم مخالفت کردند و روند انحلال اخراج در داخل جبهه ملی آغاز شد. درحالی‌که دکترسحابی محافظه‌کار انحلال اخراج در جبهه ملی بود و صریحا اعلام کرد اصولا جبهه‌ملی باید با حضور و عضویت اخراج تشکیل شود این مخالفت صورت توقف فعالیت جبهه ملی‌دوم و تشکیل جبهه ملی‌سوم شد که البته به علت بسته‌شدن فضای سیاسی این روند در خارج از کادر اخراج ایجاد کرد. دکترسحابی تا سال ۶۴ که در اتحادیاد در تبعید بود نقش رهبر معنوی جنبش اجتماعی را برعهده داشت و نامه‌های انگلیس و دولت انتلافی فرانسه انجام داده بود و دیگر مساله تضادی بود که بین انگلیس و آمریکا شکل گرفته و انرژی منفی‌اش بالا بود و آمده بود، در دو تکفرانسه که در واشنگتن برقرار شد بود که آمریکایی‌ها معتقد بودند که قرارداد امتیازات یکجانبه که پس از پیروزی و براساس هزینه‌هایی که در جنگ داده‌اند باید تعدیل شود؛ یعنی مشارکت در آن شود که انگلیسی‌ها نپذیرفتند ولی قبول کردند بودند که مقادیری نفت به قیمت ارزان به کمپانی‌های آمریکایی واگذار شود. این بازی آمریکایی‌ها و کمپانی‌هایشان قابل قبول نبود؛ بنابراین رقابتی جدی وجود داشت در این ارجاعه تغییر سیاست‌های آمریکا و فراهم‌شدن فضای سیاسی نسبتا باز بعد از سال ۳۹ و تحولات سیاسی اجتماعی قابل دهه ۴۰ و ادامه مبارزات اراده‌خواهانه ملت ایران است.

■ فضای بازِ سیاسی در سال ۱۳۳۹ و پس از کودتا به وجود آمد. آیا منجر به تشکیل جبهه ملی‌دوم شد؟ نقش مصدق را در تشکیل جبهه ملی در سال ۱۳۳۹ چطور می‌بینید؟ اینکه ایشان نخست‌وزیری بود که هفتسال قبل در دوره‌ی کودتا انتقاد اعدام بود و در همان زمان هم به‌هرحال در زندان بود. اما به‌نوعی گویا می‌خواست فعالان را دوباره به عرصه‌ها برگرداند.

همان کادرهای نهضت مقاومت ملی که بعد از سال ۳۶ در شرایط سرکوب، مقاومت را داده‌اند. افرادی چون حجر عاصی، عباس رادنیا، عباس سمیعی و... که تحولات داخلی و بین‌المللی را دنبال می‌کردند و در چنان تغییر سیاست آمریکا در برابر رزیم پهلوی که قرار گرفتند، ضمن تبادل نظر با سران نهضت مقاومت مهندس‌بازرگان و دکترسحابی و همچنین برخی از اعضای جبهه ملی و مطرح و پیگیری کردند و در نهایت در تیرماه سال ۳۹ با حضور ۱۲نفر از شخصیت‌های سیاسی به دعوت دکترعلامه‌حسین دهقانی، جبهه ملی‌دوم تشکیل شد. اعضای دعوت‌شده عمدتا از اعضای اخراج قدیمی جبهه ملی بودند و از کادرهای نهضت مقاومت که خود از پیگیری کنندگان تشکیل جبهه ملی‌دوم بودند و تحلیل سیاسی به‌روزتری داشتند. دعوت نکردند و در مرحله بعد که نهضت آزادی ایران با مشارکت این کادرها تاسیس شد، با پذیرش عضویت نهضت آزادی نیز در جبهه ملی‌دوم مخالفت کردند و روند انحلال اخراج در داخل جبهه ملی بود و صریحا اعلام کرد اصولا جبهه‌ملی باید با حضور و عضویت اخراج تشکیل شود این مخالفت صورت توقف فعالیت جبهه ملی‌دوم و تشکیل جبهه ملی‌سوم شد که البته به علت بسته‌شدن فضای سیاسی این روند در خارج از کادر اخراج ایجاد کرد. دکترسحابی تا سال ۶۴ که در اتحادیاد در تبعید بود نقش رهبر معنوی جنبش اجتماعی را برعهده داشت و نامه‌های انگلیس و دولت انتلافی فرانسه انجام داده بود و دیگر مساله تضادی بود که بین انگلیس و آمریکا شکل گرفته و انرژی منفی‌اش بالا بود و آمده بود، در دو تکفرانسه که در واشنگتن برقرار شد بود که آمریکایی‌ها معتقد بودند که قرارداد امتیازات یکجانبه که پس از پیروزی و براساس هزینه‌هایی که در جنگ داده‌اند باید تعدیل شود؛ یعنی مشارکت در آن شود که انگلیسی‌ها نپذیرفتند ولی قبول کردند بودند که مقادیری نفت به قیمت ارزان به کمپانی‌های آمریکایی واگذار شود. این بازی آمریکایی‌ها و کمپانی‌هایشان قابل قبول نبود؛ بنابراین رقابتی جدی وجود داشت در این

■ جبهه ملی و جریان نزدیک به مرحوم مصدق پیش از کودتا قدرت را در دست داشت. بعد از کودتا قدرت گذار کناشته شد. سپس مخالف قدرت موجود شد و البته در برهه‌ای می‌بینیم که از اعضای این جریان باز هم در قدرت استفاده می‌شود. رویکرد جبهه ملی به رویکرد بعد از ۲۸مرداد چه تغییری کرد؟

رویکرد به قدرت بر اساس مقتضیات زمان تعریف می‌شود. برای مثال حرکت جبهه ملی برای ملی‌کردن صنعت نفت و اصولا حرکت ملی‌شدن روی‌هاای بود که خود قدرت‌های غربی پیش گرفته بودند و بعد هم قراردادهای کنسرسیوم در آن چارچوب‌ها قرار گرفته بود. در نتیجه موضع‌گیری‌ها این پیام را هم به آمریکایی‌ها می‌داد که راهی که شما انتخاب کردهاید و کودتا و پیلماهیتش نتانها به نفع مردم ایران نیست که به نفع خودتان هم نیست. بنابراین همیشه یک پیام دوگانه داشت. گذشته از اینکه انتقادات را به حکومت وقت داشت و به دنبال آلترناتیو هم نبود در عین حال پیام جبهه بورژوی‌مرز هم داشت زیرا معتقد بودند فعل و انفعالاتی که در هنگام جنگ سرد به وقوع می‌پیوندد، نمی‌تواند مورد رویه‌های بود که خود قدرت‌های غربی پیش گرفته بودند و بعد هم قراردادهای کمانیکه روز ۱۷ آذر در زیر فشار شدید پلیس و نیروهای ارتش و کماندوها، نیکسون به دانشگاه تهران می‌آید و دکترای افتخاری خود را نیز دریافت می‌کند. بررسی حوادث بوهه کاملی در تاریخ ۱۶آذر۱۳۳۳ نشان می‌دهد تمامی رفتارها برای رابطه‌گیرنده‌کردن و سرکوب نقطهٔ دانشگاه که در جامعه نیز افتاق افتاده است.

■ جامعه و دانشگاهی در التهاب واکنش سریع به کودتا بود و اصلا فضا، فضای نیروداری محسوب می‌شد. اما چرا شاه می‌خواست بعد از کودتایی که انجام گرفته بود، همچنان فضا را ملتهب نگه دارد؟

طبیعی است. به‌هرحال انجام دانشگاه پیامد کودتا بود و کل جامعه اصلا در یک فضای متشنج قرار داشت. نهضت‌ملی ایران هم در همان زمان از نظر فرهنگی و اجتماعی در جامعه فعال و زمینه‌های اجتماعی فراهم شده بود و با وجود خیلتی که بفرهم بنده در همان زمان حزب‌توده فعال شد و باعث شد نهادهای مختلف دچار نوعی آشفتگی شوند اما همچنان جامعه بعد از کودتا واکنش شدیدی نسبت به کودتا از خود نشان می‌داد و طبیعتا بعد از ۲۸مرداد فضای دانشگاه ملتهب بود اما حداقل گزارش‌ها نشان می‌دهد دانشجوها با هوشیاری خود را کنترل می‌کردند واکنشی نشان ندهند که بدفتح طرف مقابل باشد و این کماندوها بودند که با برنامه‌ریزی با ملاحظه دامنه گرفتند. بعد از ۱۶ آذر سال ۱۳۳۳ تا سال ۱۳۳۹ فضای دانشگاه کاملا ملتهب و سرکوب شده و فضای بسیار بی‌دانشگاه و روزها دارد اما دانشجویان دانشکده فنی هرسال در همان محل شهادت دانشجویان تیراندازی جمع می‌شدند و دسته‌گلی به یادگار قرار می‌دادند. دانشجویان با همفشارها در همان محل جمع می‌شدند و سکوت می‌کردند و کلاس می‌رفتند و نیروهای امنیتی همان اشخاصی که اعلام سکوت می‌کردند را نیز بازداشت می‌کردند و دانشجویان با علم به اینکه بازداشت می‌شوند بازهم رکن‌های اساسی اعتراض در آن زمان است حولات را که در روزهای منتهی به ۱۶ آذر دنبال می‌کنیم، تمامی رسانه‌ها این التهاب دانشگاه را منتقل می‌کنند و اسناد منتشرشده نیز همین را نشان می‌دهد. در همان بدو جبهه دکترقانی در دانشگاه نشریه‌ای داشت که رییس دبیرستان به علوی رییس دبیرستان شیورخوشید اینکه در آن زمان با دربار رابطه نزدیکی داشته و گویا شاه در همان زمان، وی را به آمریکا فرستاد و به آمریکا می‌خواهد و از اوضاع دانشگاه می‌پرسد و یاسخ خطیبی نیز تاکید بر التهاب دانشگاه در همان زمان است. شاه به دکترقانی پیامی می‌دهد این التهاب را در دانشگاه نشدید کند این بسیار نکته کلیدی است که شاه در همان زمان می‌خواهد این التهاب نشدید شود. اینجه باید مورد توجه قرار گیرد. این است که جزاشاه باید از دکترقانی بخواهد سرمقاله‌هایش را ندارد کند و نشنج را در دانشگاه افزایش دهد؟» این مورد مهم مغفول مانده به ۱۶آذر که جنبش دانشجویی است که من به این بیشتر خواهم پرداخت.

■ با این توضیح شما، باید بپذیریم شاه قصد داشته پس از کودتا همچنان پروژه سرکار را ادامه دهد و نمونه آن اتفاقات ۱۶ آذر است

بله، قطعا همین‌طور است. شاه می‌خواست این سرکوب را انجام دهد.

ادامه در صفحه ۱۰

محمد توسلی در گفت‌وگو با «شرق»:

هسته‌های مقاومت بلافاصله بعد از کودتا شکل گرفت

مریم قربانی‌فر

عکس: عباس کوثری، شرق

**مهندس محمد توسلی متولد۱۳۱۷ در تهران است. وی در سال ۱۳۳۵ وارد دانشکده فنی دانشگاه تهران شد و از اعضای فعال انجمن اسلامی دانشجویان بود. وی از سال ۱۳۴۰ و تا بهمن ماه بهار ۱۳۳۳ زندانی و از اعضای فعال و شاخص در سال ۱۳۴۱ برای تحصیل در رشته حمل‌ونقل و ترافیک به آلمان